

نگارش به مثابه سلوک

آقای منصور براهیمی. جلسه ۲۳

تغییر داستان موسی . ۷ اردیبهشت ۹۵

متمرکز میشیم روی دم و بازدم سعی کنید اونقدر تمرکزتون عمیق باشه که لحظه لحظه دم و بازدم رو حس کنید هر چه عمیق تر باشید تمرکز بیشتر میشه این دم که میگیرید تا به جایی میره و متوقف میشه این توقف باید طبیعی باشه سعی نکنید نفس بیشتری بگیرید به لحظه مکثه و بازدم نفس رو میده بیرون میخوام بگم اگر تمرکزتون کامل باشه روی دم و بازدم و به هیچ چیز دیگه نیاندیشید لحظه لحظه این دم و بازدم رو حس میکنید حتی اینکه چطور به کمی بیشتر این نفس رو نگه دارید بازدم به کمی با شدت میاد بیرون همیشه لحظه مکث مابین دم و بازدم هست و برعکس وقتی نفس رو میگیرید و وقتی نفس رو بیرون میدید به لحظه مکث هست برلحظه لحظه دم و بازدم تون متمرکز بشید وقتی نفس تون جریان داره گویی که زندگی جریان داره دو لحظه مکث داریم تو دم و بازدم اون لحظه ها لحظه هایی است که به کلی حیات قطع میشه شما به نیستی میرسید و بعد به هستی این نیستی و هستی در واقع دائم در شما در حال وقوع هست در حال تکرار نیست در حال وقوعه اگر شما مکث رو طولانی تر کنید نیستی تون طولانی تر میشه تمرکز رو به نحوی پیش ببرید که این جریان مداوم هستی و نیستی رو درک کنید شما در واقع دائم میمیرید و زنده میشید مرگ و تولد دوباره به اسطوره نیست به تجربه وجودی است که ما هر لحظه داریم انجامش میدیم هر لحظه که مرگ روی میده ممکنه دیگه هستی پدید نیاد هر لحظه هستی به لحظه متفاوتی است تغییر مدام و عمیق هست لحظه لحظه همه جهان در حال تغییره و شما . جهان هم مدام خلق میشه و نیست میشه شما ساعتی نیست که کوک کرده باشن در حال کار کردن باشید مثل ماشین شما هر لحظه در حال وجود یافتن هستید وقتی خودتون رو به این تغییر عظیم میسپارید قاعدتا به تجربه خوبی میرسید به حس نشاط غریبی در شما بوجود میاد درست مثل آدم تشنه ای که به آب رسیده چطور فکر میکنه قطره قطره این آب داره زندگی رو به او برمیگردونه در واقع این هر لحظه وجودی ماست ما داریم فیض زیستن و وجود داشتن رو هر لحظه میگیریم و هر لحظه تغییر میکنیم من بیشتر صحبت نمیکنم تا ممکنه شما بیشتر بتونین اون پیوند زنده و کم نظیر رو که با تغییر مدام همراه هست با مرگ و تولد دوباره با تمام وجودتون تجربه کنین در واقع ما داریم تجربه میکنیم اما متمرکز نیستیم (سکوت) میتونید آرام کاغذی بردارید تجربه تون رو به این شکل به نگارش بدل کنید لحظاتی از داستان حضرت موسی رو انتخاب کنید میتونه پیشنهاد خود من زمانی است که صندوقچه روی آب در حال حرکت ممکنه مریم یا ملیام بینه اونومکنه بینه اما اگر این موقعیت رو هم نمیتونید بلافاصله اونچه که میگیم روش فکر کنید میتونید هر موقعیت دیگری رو که خودتون انتخاب میکنید بهش پردازید در واقع این عین پیوند شماست با سرگذشت حضرت موسی . اتفاقیه که تقریباً هیچکس پیش بینی نمیکنه و هیچ جا نیامده آنقدر بدیع که ممکنه به کلی چیز دیگری از سرگذشت حضرت موسی بدست بیاد این باز منظورم این نیست که از طریق تخیل انجام بدید به چیزی ابداع بکنید اونجا و داستان روی نداده باشه از طریق پیوند وجودی تون چیزی رو آشکار کنید یا بیافرینید حتی که هیچ کس در مورد سرگذشت حضرت موسی نگفته و هیچ جا نیامده نگران این نباشید که داستان عوض میشه اصلاً تاریخ عوض میشه داستان حضرت موسی به چیز دیگه ای میشه اگر پیوند شما درست باشه اصلاً نگران این حوزه ها نباید باشید در واقع این فیضان یا فیضی است که از شما به داستان در این سرگذشت سرایت میکنه سهم شماست در این اثر مال شماست شما می بخشید اینو (سکوت) اجازه بدید چیزی روی بده که هیچوقت در مرورها خواندنھا مطالعات حتی شنیده هایی که از داستان داشته اید یا به پیوند جدی با قرآن دارید هیچوقت از طریق قرآن یا کتابهای مقدس به شما منتقل نشده این کاملاً مال شماست یا به پیوند شما به این سرگذشت مربوط میشه هر اتفاقی که بیافته نهراسید

ازش مثلا اگر حضرت موسی کشته میشه در مسیر رودخانه خوب داستان تمام میشه اگر این واقعا این رویداد اتفاق بیوفته فکر نکنید که نباید باشه من حادثترین شکلش رو گفتم که نگرانی بابت اینکه آیا دارید داستان رو درست تعریف می کنید یا نه نداشته باشید با این همه لزومی نداره اونچه که میگوید کاملا غیر متعارف باشه داستان رو یه چیز دیکه ای تعریف کنید موضوع اینه که شما اولین بار است و آنچه که دارید مینویسید درهیچ تجربه دیگری وجود نداشته اولین باره در دنیا داره اتفاق میافته آنچه که از طریق پیوند شما روی میده کاملا یگانه است تا حالا هیچ جا تو هیچ روایتی تو هیچ موردی ندیدید هیچ سابقه ای نداره اولین باره که داره روی میده آنچه که مینویسید قاعدتا تغییری اندک یا خیلی زیاد در اون جهان داستانی است شما خیلی چیزها رو تغییر میدید.